

اربعین حسینؑ بالنظر حافظ



استاد موسویان

[@sabbar_ir](#)

sabbar.ir

اربعین حسینی با نظر به حافظ

هزار دشمنم ار می کنند قصد هلاک
گرم تو دوستی از دشمنان ندارم باک

آنکس که بفهمد در چه تاریخی زندگی می کند و بداند حیلۀ مکر لیل و نهار و شیطان چه دامی را از چهار سو برای ندیدن حق، ریخته، می داند که هیچ راهی برای برون رفت جز پناه بردن به وحی ندارد. وحی یعنی برنامه همه جانبه ای که نقشه همه نقشه کشان را می داند و قدرت و حکمت تماماً در آن جمع گردیده است. آری هرکسی بن بست تاریخی را بیابد به مرغی درون قفس می ماند که قفس را حقیقت خود نمی دارند ولی مرتب مترصد است راه نجاتی در مقابل است باز شود. تنها دلسوزان بشریت که عالمان سر و وحی الهی هستند مافوق تمام نقشه ها راه را برای نجات بشریت می گشایند. آری حسین علیه السلام و اشک او معجزه تاریخی می شود که می تواند راه دیگری در برابر همه رسانه ها و دعوت سفیانی ها، راه رجوع به حق را در مقابل چشمان منتظران بگشاید. آری باید گفت: گرم تو دوستی از دشمنان ندارم باک

مرا امید وصال تو زنده می دارد

و گرنه هر دم از هجر توست بیم هلاک

حب الوطن من الایمان دوست داشتن وطن نشانه ایمان است. وطن حقیقی انسان کجاست و گرنه شهرها و کشورها و دوست داشتن آن از اعتباریات و انس مداوم است. گفت ما ز بالایم و بالا می رویم ما ز دریا می رویم و دریا می رویم. ما از اینجا و از آنجا نیستیم ما زه بی جاییم و به بی جا می رویم. امید وصال به کسی که، وصل به حق است و بوی وطن حقیقی انسان را می دهد تنها امید حیات عاشق است و هرچه غیر از آن در صحنه باشد وهم و خیال و پوچی

است. «کل شی هالک الا وجهه». هلاکت دیدن غیر است و اگر عاشق می تواند هجر را تحمل کند فقط امید وصال است.

نفس نفس اگر از باد نشنوم بویش
زمان زمان چو گل از غم کنم گریبان چاک

این بیت شرح حال خودش است که می گوید اگر مداوم به راه نجاتم توجه نکنم اکنون زدگی و روزمره گی زندگی را سیاه می شود. ولی با غم تو در هر زمان به دنبال گشایشم میگردم. مگر نه اینکه انتظار الفرج من الفرج. عاشق تجلی کامل که آرزوی همه عارفان و سالکان است اگر در هر زمان توجه به آن در دل نباشد پوسیده و ریش می شود. غم مقدس غم فراق و امید وصال است و گرنه هر غم غیر عشق او بیچارگی و غم جان کاه جدایی از حقیقت است که جز پوچی نیست. غم تمدن غرب از سبک و افق زندگی خود غم جان کاهی است که تا توجه به معشوق نیندازد هر روز بیشتر از قبل او را هلاک خواهد نمود. اما غم عشق، غمی است که مداوم باید با آن سینه را چاک زد. آری غم عشق حسین علیه السلام است که هر زمان تازه تر می شود و نوری در قلب باز می کند

رود به خواب دو چشم از خیال تو هیئات
بود صبور دل اندر فراق تو حاشاک

می گوید من چون این غم عالی و برین را یافته ام هرگز نمی گذارم صورت آن از جلوی دیدگانم محو شود. آری آنکس که صورت عاشقی خادمان اربعین با زائران امام حسین علیه السلام را می بیند و آرامشی که در این مسیر برای او ایجاد می گردد؛ حاضر نمی شود، ذره ای دل خود را از آن بردارد و بی صبرانه انتظار می کشد زمان وصل دوباره فراهم شود. لذا می گوید انتظار

صبر طولانی از من نداشته باش که در فراق تو بتوانم تاب بیاورم. اگر بستر وصل فراهم نشود
در این شوق میمیرم.

اگر تو زخم زنی به که دیگری مرهم
و گر تو زهر دهی به که دیگری تریاک

حتما راه عشق ورزیدن به اولیاء سختی و تعب خاص خودش را دارد. شلوغی اربعین و خستگی
پیاده روی برای از هزار راحتی در زندگی دنیا مداران بهتر است. آری درره منزل لیلی که
خطر هاست در آن _ شرط اول قدم آن است که مجنون باشی. اگر در این مسیر پایی طاول زند
یا جگر گوشه ای را گم کنم برای من بهتر از مُسکن های مجازی است که دردم را دوا نمی
کند بلکه بر دردم سرپوش میزند. گفت: درد دارم دوا نمی خواهم یا دردم از یار هست و
درمان نیز هم.

بضرب سیفک قتل حیاتنا ابد
لأن روحی قد طاب ان یکون فداک

اگر تو با شمشیرت مرا بکشی حیات جاودانه من است زیرا که من مداوم می خواهم فدای تو
باشوم. یعنی حسین جان هر کسی نجات یافت در نظر به تو بود و آرزویش فدایی تو شدن بود.
آری: ما در پیاله عکس رخ یار دیده ایم _ ای بی خبر ز لذت شرب مدام ما / هرگز نمیرد آن
که دلش زنده شد به عشق _ ثبت است بر جریده عالم دوام ما

تو را چنان که تویی هر نظر کجا بیند
به قدر دانش خود هر کسی کند ادراک

آری شاه بیت حافظ در این غزل ضعف خود را در مقابل امام حسین علیه السلام بیان می کند و می گوید: من به اندازه وسعت ادراک خودم تو را شناختم که اینگونه فدایت می شوم و گرنه ما تاب و توان همه حقیقت تو را نخواهیم داشت. آری امام باقر علیه السلام می فرماید: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْفَضْلِ لَمَاتُوا شَوْقًا وَ تَقَطَّعَتْ أَنْفُسُهُمْ عَلَيْهِ حَسْرَاتٍ اگر مردم می دانستند که در زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیهما السلام چه فضل و ثوابی است حتما از شوق و ذوق قالب تهی می کردند و به خاطر حسرت ها نفس هایشان به شماره افتاده و قطع خواهد شد.

به چشم خلق عزیز جهان شود حافظ
که بر در تو نهد روی مسکنت بر خاک

عشق به امام، عشق به عالی ترین وجه خود است. رسیدن به عزت حقیقی رسیدن به این مقام است. و از طرفی اگر لازمه رسیدن به این مقام خاک شدن در برابر معشوق است. آری زائران حسینی صورت حقیقی عشق به امام حسین علیه السلام را در عاشقی و خاک شدن نسبت به زائران او می دانند و این طلوعی دیگر از تاریخ بازگشت بشریت به امام خود است.